

## سخن سردبیر

دغدغه تامین آب برای مناطق مختلف کشور از دیر باز وجود داشته است و در سال‌های اخیر پروژه‌های مختلف انتقال آب بین حوضه‌ای سعی در حل این بحران و کاهش این دغدغه داشته است. قرار گرفتن بخش عمده‌ای از کشور در اقلیم خشک و نیمه‌خشک، برخورداری از متوسط بارش حدود یک سوم میانگین جهانی و تفاوت چشمگیر در برخورداری از منابع آب در حوضه‌های آبخیز شش‌گانه درجه یک کشور، همواره کشتی برای انتقال آب از حوضه‌های پیرامونی به حوضه میانی یا همان فلات مرکزی را ایجاد نموده است. آب انتقال یافته می‌تواند گونه‌های مختلفی مانند آب شیرین، آب شور و یا آب شیرین شده با آب شیرین‌کن‌ها را شامل شود که هر یک می‌تواند تبعات محیط‌زیستی چشمگیری را در مبداء و مقصد به دنبال داشته باشد. در ماه‌های اخیر بحث انتقال آب شیرین شده از سواحل دریای عمان، خلیج فارس و دریای خزر به فلات مرکزی شدت بیشتری یافته و در برخی موارد نیز با آغاز عملیات اجرایی همراه بوده است. در این میان سوال بزرگی که در ذهن شکل می‌گیرد این است که آیا خسارت وارده به محیط‌زیست در اخذ تصمیم نهایی در انتخاب روش تامین آب نقشی داشته است؟ آیا ارزیابی‌های محیط‌زیستی در سطح پروژه که بعضاً به گونه‌ای ناکارآمد و غیرقابل اعتماد (در برخی موارد حتی پس از آغاز عملیات اجرایی!) صورت می‌گیرد تاب و توان کنترل اثرات سنگین وارده بر محیط‌زیست را داراست؟ آیا راه‌کارهای غیرسازهای افزایش بهره‌وری مصرف آب در بخش‌های مختلف، به ویژه کاربری کشاورزی به عنوان بزرگترین مصرف‌کننده آب کشور، از کفایت لازم برای تامین کسری موجود برخوردار نبوده است؟ متأسفانه اینها سوالاتی است که اغلب در زمینه طرح‌های انتقال آب در کشور بی پاسخ مانده است و لازم است مسئولین، کارشناسان و دست‌اندرکاران تامین آب کشور به آن بیاندیشند. هرگونه شتاب‌زدگی و اخذ تصمیمات غیرکارشناسانه در حل مشکلات امروز، آیندگان را وادار به پرداخت توانی سخت در سال‌های آتی خواهد نمود. به نظر می‌رسد نبود طرح‌های کلانی همچون آمایش ملی در کشور امکان بروز خطا در این زمینه را تشدید می‌نماید. امید است در آینده‌ای نزدیک با تصویب سند ملی آمایش سرزمین بتوان تا حدی از اثرات طرح‌های کلان، شتاب‌زده و مخرب انتقال آب بر محیط‌زیست کشور پیشگیری نمود.

نغمه مبرقعی دینان

سردبیر